

تمام مشکلات و معضلات ریشه در فقر دارد

نوع جرایم، خشونت و حتی خودکشی یا ارتکاب به قتل در میان دختران و پسران متفاوت است و به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد

دکتر «امان الله قرایی‌مقدم» جامعه‌شناس در بررسی عوامل روی آوردن جوانان به جرایم مختلف می‌گوید: نوع جرایم، خشونت و حتی خودکشی یا ارتکاب به قتل در میان دختران و پسران متفاوت است و به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد اما دختران و پسران جوانی که مرتكب جرم‌های مختلفی می‌شوند ریشه آن را می‌توان در خانواده‌هایشان جست‌وجو کرد. دختران و پسرانی که در کودکی در خانواده‌های بی‌سپرست، بد سرپرست یا تک‌سرپرست بزرگ می‌شوند به دلیل اینکه به آنها آن‌طور که باید و شاید رسیدگی نمی‌شود در دوران نوجوانی و جوانی به راحتی به جرم‌های گوناگون روی می‌آورند اما ریشه رخ دادن تمام جرایم فقر و عدم تامین معیشت است. البته به این موضوع نیز باید اشاره کرد که نوع محله‌ای که دختران و پسران جوان در آن زندگی می‌کنند از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌تواند زمینه‌ای برای روی آوردن آنان به انواع جرایم باشد. دوستان و اطرافیان جوانان نیز بسیار مهم هستند چون جوانان به نوعی تحت تاثیر دوستان و همسن‌های خود قرار می‌گیرند. به عبارتی وضعیت جامعه به گونه‌ای است که نیروهایی که جوانان را به تخلف، دزدی و جرایم دیگر سوق میدهند بر نیروهایی بازدارنده که پلیس، زندان و... است، برتری دارند. وقتی دختران و پسران جوان ما در خانواده‌های فقیر یا در محله‌هایی که جرایم در آنها زیاد اتفاق می‌افتد، بزرگ می‌شوند ناخودآگاه به سمت جرم‌های مختلف گرایش پیدا می‌کنند.»

او در ادامه توضیح میدهد: از طرفی وقتی جوانان در جامعه با بیکاری مواجه می‌شوند و در تامین معیشت خودشان و خانواده‌هایشان دچار مشکلاتی هستند، مجبور می‌شوند به کارهای خلاف روی بیاورند. خود مسوولان بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند که ۴ میلیون جوان در جامعه بیکار هستند. نتیجه بیکاری در جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، وجود رانت، رشوه و... باعث می‌شود دختران و پسران جوان ما به سمت خلاف قدم بردارند.

امان الله قرایی‌مقدم تصریح می‌کند: متسفانه در کشور ما به دلیل ناکارآمدی‌ها روز به روز این مشکلات هم بیشتر می‌شوند. وقتی مشکلات

ا قتصادی و اجتماعی در جامعه وجود داشته باشد سن مجرمان نیز پایین می آید و نوجوانان هم مرتكب جرایم می شوند. معمولاً افراد در سن جوانی و نوجوانی مرتكب جرم می شوند. افراد در سنین نوجوانی و جوانی نیرو و قدرت دارند و همچنین به خاطر هیجانها یی که درون آنها توسط دوستان و اطرا فیانشان رخ میدهد به راحتی می توانند تحت تاثیر نیروهای منفی قرار بگیرند و دست به کارهای خلاف بزنند. نوجوانان و جوانان خواسته ها و امیالی دارند و وقتی به دلیل مشکلات مالی در خانواده های شان نمی توانند به آن خواسته و امیال دست پیدا کنند و در جامعه هم شغل مناسبی برای آنها وجود ندارد و با بیکاری مواجه می شوند چاره ای جز روی آوردن به کار خلاف برای آنها باقی نمی ماند. اصولاً هر چقدر فقر و شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر شود سن خلافکاران نیز پایین تر می آید.

وی ادامه می دهد: در حال حاضر سن خلافکاران به ۱۲ و ۱۵ سال رسیده است. به عنوان مثال همان پسری که اکنون در مرحله اعدام است و در بزرگراهها با اعمال خشونت آمیز از ماشینها سرقت می کرد، دلیلش چه بود! فقر است که باعث شده این جوان به سمت این تخلف روی بیاورد چون با تامین معیشت رو برو است. جوانان مثل این پسر وقتی خودشان و خانواده های شان وضعیت مالی خوبی ندارند و بیکار هستند و شغل مناسبی در جامعه به آنها نمیدهند و در حاشیه شهر هم زندگی می کنند خب چه کاری می توانند انجام دهد جز خلاف... باید دید برای جوانان چه دختر و چه پسر چه کاری در جامعه تولید کردند! وقتی کار و شغلی نباشد جوانان ناچار می شوند به خلافهای گوناگون دست بزنند. دختران هم همین وضعیت را دارند اما نوع خلافشان متفاوت است.

دختران وقتی در خانواده ای فقیر زندگی می کنند و در جامعه برای آنان شغل مناسبی نیست برای کسب درآمد مجبور به تن فروشی می شوند یا بر عکس برخی از خانواده ها برای تامین معیشت و کسب درآمد دخترهای خود را در اختیار مردان می گذارند. تمام این مشکلات و معضلات ریشه در فقر دارد.